

## سفر به ترکمنستان

سید محمد اصفیائی

مسجد عشق آباد که یک گنبد و یک مناره دارد و احداث دومین مناره آن را آستان قدس به عهده داشته که هنوز انجام نشده است.

یکی دیگر از بناهای جدید، ساختمان مؤسسه کتب خطی است که گویا قبلاً پی ریزی شده و به وسیله ترکیه تکمیل شده است و سه طبقه دارد؛ شامل اتاقهای کارمندان، کلاسها، سالن اجتماعات با گنجایش حدود صد نفر و مخزن کتب خطی که دارای درهای گاو صندوقی و سیستم اطفای حریق خودکار است و فقط این دو خصیصه از خصایص مخازن کتب و آثار باستانی در این محل وجود دارد و سایر معیارهای لازم، چندان لحاظ نشده است. کارشناسان ترکیه و ارمنستان نیز بخش مرمت و قرنطینه کتب خطی را راه اندازی کرده اند.

آمار کتب خطی موجود در کتابخانه در حدود ده هزار نسخه است که بخش عظیمی از آنها را کتب چاپ سنگی تشکیل می دهد.

غالب کتب خطی مخزن - که در یک بازدید مختصر معلوم می شود - کتب فقهی و تاریخی و کلامی اهل سنت است که به ترتیب، عربی، فارسی و ترکی اند. قدیمترین نسخه خطی - بنابه اظهار خودشان - از قرن پنجم، و بنابر آنچه ما دیدیم، از قرن هشتم قمری است.

در پی برگزاری سمینار بین المللی کتب خطی در دانشکده کتب خطی عشق آباد، و دعوت آن سمینار از حجت الاسلام و المسلمین دکتر سید محمود مرعشی نجفی، متولی و رئیس کتابخانه بزرگ آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره)، این جانب به نمایندگی از سوی کتابخانه، عازم عشق آباد شدم. در فرودگاه، از طرف رئیس دانشکده کتب خطی عشق آباد، آقای آناتربان عاشیراف و نیز وابسته فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران، آقای محمدپور، مورد استقبال رسمی قرار گرفتم و به محل اقامت خود راهنمایی شدم.

### دورنمایی از شهر عشق آباد

عشق آباد، پایتخت جمهوری ترکمنستان، در حدود پانصد هزار جمعیت دارد که فعالیتهای اقتصادی و تجاری آن هنوز کاملاً خصوصی نشده است و مجموعه های بازار و فروشگاهها، برخی دولتی و برخی خصوصی اداره می شوند و کالاهای ایرانی، مخصوصاً میوه جات، از کالاهای عمده این فروشگاههاست. اکثر بناهای جدید در عشق آباد، بعد از استقلال در ۱۹۹۱ م بنا گردیده، که غالباً به وسیله ترکیه طرح و اجرا شده است؛ از جمله

## متن سخنرانی

بسم الله الرحمن الرحيم

من مایل هستم خوشنودی و افتخار خود را به خاطر شرکت در این محفل علمی و فرهنگی، اظهار نموده و شکر و سپاس خود را مخصوص حضرت باری تعالی کرده باشم که به جهانیان ثابت فرمود که نیروی فرهنگی - اسلامی ملت بزرگ ترکمن - بدون به کارگیری کمترین نیروی فیزیکی - دیوارهای فولادین را از اطرافشان برداشت و آنها را در احیای هویت اسلامی و تاریخی خود موفق گردانید.

من خوشحال هستم که اعلام کنم ما در کتابخانه بزرگ آیت الله العظمی مرعشی نجفی - قدس سره - در حدود سه هزار جلد کتاب خطی ترکی داریم که بعضی از آنها در فهرست عمومی ثبت گردیده و بعضی هم در حال فهرست شدن است که ما برای استفاده برادران مسلمان ترک، در حال گردآوری فهرست مخصوص کتب ترکی هستیم که ان شاء الله به زودی اولین مجلد آن چاپ می شود و در اختیار علاقه مندان قرار می گیرد.

## نقش و کارایی کتاب در تبیین تاریخ و فرهنگ ملل

کتاب خطی، به عنوان یک اثر تاریخی و فرهنگی، به مجموعه ای گفته می شود که قبل از همگانی شدن صنعت چاپ، و گسترده شدن خدمات فنی آن، در خاورمیانه، رایج و مورد استفاده و در حال تولید بوده است.

این امر تا اوایل سده چهارم هجری، با نسبتهای متفاوت، در گوشه و کنار خاورمیانه، ایران، عراق و ترکیه ادامه داشته است. این که ما تا کید بر خاورمیانه داریم، دلیلش این است که در خاور دور و اروپا، کتاب خطی یا وجود نداشته و یا متعلق به خاورمیانه و حوزه نفوذ و سلطه مسلمین بوده است. در غیر حوزه مسلمین، آثار خطی منحصر در کتب مقدس بوده که بحث آن خارج از موضوع مورد گفت و گوی ماست.

در مجموعه دانش باستانشناسی (آرکیولوژی)، کتاب خطی

## افتتاح سمینار

سمینار، روز دوشنبه، ۲۵ اسفند ماه، ساعت ده به وقت محلی و ۸/۳۰ به وقت ایران، با پیام رئیس جمهور، آقای صفرمراد نیازاف، و با پخش سلام جمهوری افتتاح گردید. مهمانان دعوت شده در این سمینار، علاوه بر اساتید داخلی، از ایران، ترکیه، ازبکستان، انگلیس، روسیه و ارمنستان بودند. تلویزیون عشق آباد نیز این مراسم را پوشش خبری و تصویری داده بود.

تعداد مدعوین از هر کشور، یک نفر، و از جمهوری اسلامی ایران پنج نفر بودند. به دلیل موقعیت والای جمهوری اسلامی ایران، احتراماً این جانب را هنگام افتتاح، عضو هیئت رئیسه قرار دادند، و سی دقیقه پس از افتتاح، وقت تنفس اعلام شد.

در ادامه سمینار، سخنرانان داخلی و خارجی، مطالب خود را ارائه کردند که در بین گفتارها، مطلبی که ارتباط مستقیم با کتب خطی و شناخت آن داشته باشد، وجود نداشت و بیشتر درباره قومیت و اساطیر و نظرات اساطیری بود؛ تا نوبت سخنرانی این جانب در ساعت دوم افتتاح سمینار رسید.

در این هنگام، مسئولین محترم رایزنی فرهنگی ایران، از جمله آقای صفرخانی و آقای ابراهیمی حضور داشتند.

متن سخنرانی این جانب - که مشروح آن ذیلاً می آید - در ابتدا به وسیله مترجم، ترجمه گردید و سپس به وسیله رئیس آکادمی علوم، آقای محمد آیدوغدی اف - که به زبان فارسی مسلط بود - ترجمه و خلاصه آن به زبان ترکمنی خوانده شد.

آقای آیدوغدی اف اظهار کرد که متن سخنرانی یاد شده را، پس از ترجمه، به صورت جزوه ای چاپ و تدریس خواهند کرد.

با همه مشخصات آن - که در دنباله سخن به آن اشاره خواهیم کرد - در کنار سایر آثار، یک ویژگی ممتازی دارد که آن را از سایرین جدا می‌کند و آن این است که آثار معمولی تاریخی، فقط یک زبان دارند، ولی کتاب، هزار زبان؛ همه آثار صامت‌اند، ولی کتاب خطی ناطق است. مثلاً در کشور ما، ایران، مجموعه باستانی تخت جمشید (پرسپولیس)، از مشهورترین و بارزترین آثار باستانی است. برای کسی که بدون اطلاعات قبلی، از این آثار عظیم بازدید می‌کند، فقط این را می‌یابد که در این محل تشکیلات عظیم سلطنتی بوده و اکنون از میان رفته است. ولی هزاران برگ کتاب خطی از گذشته به ما خبر می‌دهد که چه کسانی در این جا حکومت کرده‌اند، در چه زمانی بوده‌اند، از چه نوع سیاستی تبعیت می‌کردند و با چه کسانی ستیز داشتند و با چه حوادثی کاخشان ویران و خودشان از کاخ گریزان شده‌اند. همچنین است سرنوشت دانش امروزی بشر؛ امروز دانش عقلی و تجربی در خدمت انسان است، ولی کتابهای خطی تمام مدارج ترقی و پیشرفت آن را برای ما بیان می‌کند، و آنها ریشه علوم را که کدام به چه کسی و یا چه ملتی تعلق داشته و از کجا سرچشمه گرفته است، نقطه به نقطه بیان می‌کند و سهم افتخارات فرهنگی و علمی ملل و اقوام را از دستبرد اجنبی و اختلاس دیگران مصون می‌دارد.

کتاب خطی‌ای که بخواهد ارزش تاریخی و فرهنگی داشته باشد، باید حداقل یکی از این سه خصیصه را دارا باشد: ۱. قدمت؛ ۲. هنر؛ ۳. محتوا. البته گاهی همه خصوصیات یاد شده در یک کتاب جمع می‌شود.

قدمت کتاب، زمان تألیف، و حداقل پانصد سال عمر، نقطه شروع ارزش تاریخی است، که ارزش مادی هم وابسته به آن است.

هنر در کتاب مهمترین و گسترده‌ترین بحثی است که در عین حال، مهمترین عامل ارزش آن نیز هست.

بارزترین نکته‌های هنری در کتاب خطی، خط، تزئین، تصویر و تجلید است که به ترتیب، به ذکر خصوصیات آنها می‌پردازیم.

نخستین بار در سده چهارم هجری، بعد از خط کوفی، خط ثلث و نسخ، در خاورمیانه و مخصوصاً در ایران، ابداع گردید. پیشروان این هنر، ابن مقله و ابن بواب بوده‌اند که ایرانی بودن ابن بواب قطعی است و آثاری از خطوط وی در کتابخانه حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی و ترکیه و بریتش میزوم موجود است.

در دوره کمال خط ثلث، یاقوت مستعصمی، خطاط ایرانی الاصل دربار معتصم عباسی، سرسلسله ثلث نویسان بوده است و یک جلد کتاب گلستان سعدی - که مسلماً با خط اوست - در کتابخانه سلطنتی ایران موجود است.

در سده هشتم قمری، خط تعلیق، ابداع و به دنبال آن نسخ تعلیق یا نستعلیق به وسیله میرعلی علوی تبریزی پی‌ریزی شده است.

در عصر صفویه - که عصر اعتلای هنرهای ترسیمی بوده - خطوط ثلث و نسخ و تعلیق و نستعلیق و شکسته، همزمان در کتابت رایج بوده است.

در دوره سلطنت صفویه - که در حدود سه قرن به طول انجامیده است - خطاطان پرآوازه‌ای مثل سلطانعلی مشهدی، میرعلی هروی، شاه محمود نیشابوری، خواجه اختیارالدین، علاءالدین تبریزی، میرعماد حسنی، علیرضا عباسی و بسیاری دیگر ظهور کردند و آثار جاویدانی از خود به جا گذاشتند.

بعد از مسئله خط، هنر تزئین و تذهیب یکی از متداولترین روشهای کتاب آرایی است. کار تزئین در کتاب، از قرن دوم و سوم هجری، با نشانه گذاری آیات به وسیله طلا و رنگهای قرمز و آبی آغاز گردیده و با تنوع و گسترش تدریجی در ایران، در قرن هفتم و هشتم، به اوج خود رسیده است. سرانجام در قرن نهم هجری به حدی رسید که می‌توان تذهیب و تزئین کتاب خطی را در این قرن، کاملترین کاری دانست که بعد از آن دچار رکود گردیده و تنها برخی مکتبها، مانند مکتب خراسان، مکتب شیراز، مکتب اصفهان و مکتب تبریز توانسته‌اند لااقل تا پایان قرن یازدهم هجری، با ایجاد و عرضه تنوعها در ترکیبهای غنی

فراموشی سپرده شده و یا آثارشان در آتش فتنه‌ها به خاکستر بدل شده. جزو پیشروان آن مکتب بوده‌اند.

آثار هنری بعد از سقوط دولت صفوی، و اضطرابات پی‌درپی اجتماعی، کم‌رونق شده، و فقط در دوره‌های زندگی و قاجار، ظهور نسبتاً بارزی داشته است که غالباً یا متأثر از روش‌های اروپایی بوده و یا به اصطلاح، قهوه‌خانه‌ای.

مطالب یاد شده، اختصاص به جنبه‌های هنری کتابهای خطی داشت، و اما جنبه موضوعی آن، نسبت به محتوای علمی، مهمترین جنبه کتاب خطی است که برای توضیح آن باید به مطالبی اشاره کنیم.

در جامعه مسلمان، در پی روایات به دست آمده از حضرت محمد (ص) و حضرت امیرالمؤمنین (ع) که فرموده‌اند: «قیدوا العلم بالکتابه؛ دانش را با نوشتن مهار کنید»، کتاب‌نویسی از اوایل قرن دوم هجری به صورت عمومی، و قبل از آن در میان شیعیان آغاز گردیده و در قرن سوم، کتابخانه‌های بزرگی از موضوعات مختلف: تفسیر، حدیث، تاریخ، فلسفه، ریاضیات و علوم تجربی تشکیل گردید.

از قراین و شواهد قطعی که به دست ما رسیده است، مسلم گردیده که هر کتابی که در گذشته تصنیف یا تألیف گردیده، به صورت کتاب درسی تدریس می‌شده است و لازم بوده که شاگردان، بعد از خواندن کتاب، آن را دوباره برای استاد خود بخوانند و در صورت صحت درک و فهم و قرائت آنان، استاد با دستخط خود نسخه درسی آنان را تصحیح و اجازه نقل می‌داد، و هر شاگردی که در خواندن همه کتب درسی استاد خود موفق می‌شد، اجازه روایت کلی دریافت می‌کرد و استاد در این اجازه از جانب خود و اساتید گذشته خود، اجازه روایت کتب خود و اساتید خود را به آن شاگرد اعطا می‌کرد. بعد از این اجازه - که به منزله گواهی استادی وی بوده است - او نیز حق تدریس داشته و یک استاد مجاز به حساب می‌آمده، و کسی اجازه نقل و روایت و یا تدریس هیچ موضوعی را از هیچ کتابی نداشته، مگر این که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم از مؤلف آن

شده و تکامل یافته، مکتبهای جدیدی را بناکنند.

ویژگی بارزی که در تهذیب کتب، مخصوصاً کتب ایرانی، وجود دارد و پیوسته مورد توجه هنرشناسان و هنرمندان جهان قرار گرفته، مجموعه رنگهای متناسب و اشکال هماهنگی است که از طبیعت گرفته شده است، ولی شکل معینی از طبیعت در آن به چشم نمی‌خورد. البته در حاشیه بعضی از کتب نفیس خطی، آثاری به صورت درخت و جنگل و حیات وحش دیده می‌شود که این قسم خارج از مقوله تهذیب، و داخل در فن تصویر و صورت‌پردازی است.

هنر نقاشی و مینیاتور در کتب خطی را در ایران - که مرکز اشاعه آن بوده است - می‌توان به سه دوره متمایز تقسیم کرد: دوره قبل از استیلای مغول، دوره مغولی، دوره صفوی.

آثار به دست آمده نشان می‌دهد که نقاشی در کتاب، از قرن چهارم تا اواخر قرن ششم هجری، به صورت ابتدایی در ایران و بغداد معمول بوده است و به علت موقعیت سیاسی و اقتصادی خود، جاذبه‌ای برای هنرمندان اقطار مختلف، مخصوصاً ایران، داشته است.

نیمه اول قرن هفتم هجری را، به دلیل مصایب آن عصر، باید عصر تعطیلی هنر دانست، ولی در اواخر قرن هفتم هجری، هنر مینیاتور با تأثیرپذیری از مکتب چین و با شیوه آرایش مغولی، در ایران و اقطار تابع، شروع شده و تا پایان حکومت تیموری ادامه داشته که با پایان گرفتن سلطه تیموری به وسیله کمال‌الدین حسین بهزاد، مکتب هنری تبریز گشوده شده است.

دوره تیموری برای هنر کتاب‌آرایی و مینیاتورسم، یک دوره کاملاً استثنایی است که از میان آثار به جا مانده از آن دوره، کتاب شاهنامه بایسنغری، موجود در کتابخانه سلطنتی ایران، نمونه بارز و بسیار ممتازی است.

در عصر اقتدار صفویه، مکتب هنری اصفهان، به دنبال مکتب تبریز و خراسان، با دائره المعارف گسترده‌ای از هنر و ابتکار، به روی جهان دانش و هنر باز شد که رضا عباسی و معین مصور و دهها هنرمند دیگر - که با گذشت ایام نامشان به

کتاب اجازه داشته است.

این روش، در گذشته درباره همه رشته‌های علوم وجود داشته، ولی هم‌اکنون منحصر در رشته‌های دینی است و عالمان و مجتهدان دینی معاصر، بازنجیره اجازه و روایید نقل حدیث، به واسطه اساتید خود، با گذشته مرتبط‌اند.

بنابراین، نسخه‌های خطی علمی، بدون آثار تصحیح و اجازه و بی‌هیچ نشانی که ما را متقاعد کند بر این که مورد تأیید شخص مجازی بوده است، فاقد اعتبار استادی است، مگر این که نسخه مجاز دیگری آن را تأیید کند. در این صورت، آن بخشهایی از این نسخه معتبر است که با نسخه مجاز مطابق باشد و زاید بر آن، مورد قبول اهل علم نخواهد بود.

روش یاد شده، فقط به خاطر این بوده که دانش و معرفت و تاریخ و سیره، از دستبرد جعل، تحریف، تصحیف و اختلاس در امان باشد، ولی با وجود این همه تدبیر و صیانت، اشتباهات بسیاری، عمداً یا سهواً، در نسبت آثار خطی به مؤلفین روی داده است. مثلاً یکی از اساتید مصری، آقای عبدالرحمن بدوی، در یک کار نسبتاً تحقیقی، در حدود ششصد کتاب منسوب به ابو حامد غزالی را ذکر کرده است که از میان آنها، تنها در حدود هفتاد عنوان را از آن غزالی دانسته است.

در پیگیری علل این‌گونه اشتباهات، هنگام بررسی کتب خطی، به نتایج ذیل می‌رسیم:

۱. تعداد زیادی از کتب خطی، به دلایل مختلف، فاقد خطبه هستند و کتاب بدون مقدمه مؤلف آغاز شده و این حذف معمولاً به وسیله نسخه‌برداران انجام شده است؛

۲. در موارد زیادی، به دلایل فرسایش، آغاز و انجام کتاب افتاده است؛

۳. در دو حالت گذشته، اشخاص غیرخبره بر اساس حدسیات خود، آن را به هر کسی که گمان کرده‌اند، نسبت داده و نام او را در پشت کتاب نوشته و نسخه‌برداران بعدی هم بدان اقتدا نموده‌اند؛

۴. در شرایط رونق بازار، نسخه‌نویسان، کتابهای گمنام را به

دانشمندی بنام نسبت داده و به بهای قابل توجهی فروخته‌اند، ولی مجموعه کتب خطی، وقتی که در کنار هم بررسی شود، بسیاری از موارد تاریک را برای ما روشن می‌کند.

برای نمونه، ما در کتابخانه بزرگ مرحوم آیت الله العظمی مرعشی نجفی - که حاوی بیش از پنجاه هزار عنوان کتاب خطی در سی هزار مجلد است - با این که بیش از یک سوم آنها فهرست نشده است، به نتایج بسیار مطلوبی از کشف آثار گمشده و شناخت نسخه‌های بی‌نام و نشان و رفع اشتباه در نسبت کتب به مؤلفین رسیده‌ایم که ان شاء الله در آینده کتابهای مستقلی در این زمینه منتشر خواهیم کرد. و اگر ما موفق به این کار شویم، فهرستهای ما کار محققان بعدی را که با کتابشناسی فنی آگاهی کاملی ندارند، آسان خواهد کرد.

شناخت کتب خطی از حیث اصالت و قدمت و نام کتاب و مؤلف آن، به آمادگیهای چندی بستگی دارد:

۱. آشنایی بصری به وضعیت خط و نگارش و کاغذ و شناخت بصری کیفیت فرسایش زمانی. این امر حاصل نمی‌شود، مگر با تجربه فراوان و استعداد؛ به طوری که یک کارشناس بتواند با اختلاف حداکثر پنجاه سال، عمر کتاب را تعیین نماید، و آثار کهنه‌نما او را دچار اشتباه نکند؛

۲. آشنایی با نام کتابها و مؤلفین؛

۳. شناخت موضوعی کتابها؛

۴. آشنایی نسبی با سبکهای علمی و ادبی گذشتگان؛

۵. آشنایی کامل به دوزبان عربی و فارسی در سطح استادی؛

۶. آشنایی نسبی با تاریخ عمومی و ادوار علوم.

کار یک نفر کارشناس با یک نسخه خطی، شباهت زیادی به کار یک پلیس با تجربه دارد که درباره یک حادثه که شاکی ندارد و نامی از متهم یا متهمان در میان نیست، تحقیق کند. آن پلیس باید با قراین و شواهد موجود طبیعت، به قدری کار کند که در نتیجه تحقیق، یا قطعاً نام متهم را اعلام کند و یا پرونده را طوری ختم کند که سؤالی باقی نماند و افراد خبره به کفایت تحقیق او گواهی دهند.

۵. آیا در متن کتاب، حاکم یا پادشاهی مورد مدح و ستایش مؤلف قرار گرفته است؟

اینها برخی از سؤالاتی است که کارشناس در نظر می‌گیرد و سرانجام نتیجه قطعی را به دست می‌آورد.

در خاتمه، تقاضا و پیشنهاد ما به برادران خود، در کشورهای اسلامی و غیراسلامی، این است که با استفاده از فرصتهای مناسب و وسایل ارتباط جمعی پیشرفته، بدون اتلاف وقت، اقدام به جمع‌آوری اطلاعات درباره کتب خطی کرده و آنها را با دیگر کشورهای اسلامی مبادله کنند و اگر مجال کارشناسی زیاد ندارند، عکس صفحه اول و آخر کتاب را با هر نامی که به نظرشان می‌رسد چاپ کرده و منتشر کنند. توصیه می‌کنیم که وقت خود را صرف فهرست کردن کتب بسیار مکرر، مانند کتب صرف و نحو عربی نکنند و با فهرست کردن نسخه‌های مصحح و قدیم، آمار مکررات آنها را با ذکر تاریخ کتابت مشخص کنند.

به سازمان کنفرانس اسلامی نیز عرض می‌کنیم که احداث یک مرکز اطلاعات کتب خطی اسلامی موجود در تمام جهان، یک امر بسیار بزرگ و خطیر است و فقط آن سازمان می‌تواند این امر فرهنگی مهم را به انجام برساند.

فرضاً یک جلد کتاب خطی - که صفحه اول و آخر آن ساقط شده است - در برابر یک کارشناس قرار گیرد؛ کار او از این جا شروع می‌شود که عمر کتاب را تشخیص بدهد که مثلاً آن کتاب متعلق است به قرن دهم هجری. پس او درباره زمان بعد از قرن دهم فکر نمی‌کند و اندیشه‌اش بر ماقبل قرن دهم متمرکز می‌شود. او حدسهایی درباره نام کتاب به ذهنش می‌رسد و نسخه را با ۲ کتابهایی که در ذهن دارد تطبیق می‌کند، اگر با کتابی مطابقت کرد، تحقیق پایان یافته و نام کتاب و مؤلف روشن شده است، ولی اگر حدس و گمان او به جایی نرسید، تلاش خواهد کرد که در ضمن تعیین زمان تألیف از متن کتاب، به جمع‌آوری اطلاعات از درون کتاب پردازد:

۱. آیا مؤلف از اساتید خود و یا دانشمندی که در زمان تألیف زنده بوده است، با اشاره «مدظله»، «ایده‌الله» و «حفظه الله» نام برده است؟

۲. آیا در این کتاب، مؤلف از تألیف یا تألیفات دیگر خود نام برده است؟

۳. جدیدترین افراد و کتب و اشعاری که مؤلف نام برده است کدام‌اند؟

۴. مسلک علمی مؤلف درباره فلان موضوع چیست؟